

تصویرگر: مهناز صبور

حق دارم؟

توهین و بی احترامی نسبت به شخصیت و عزت نفس دانش آموز

محمدحسین مکارم

تعامل معلم و دانش آموزان از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. معلم نسبت به دانش آموزان حقی دارد و از طرف دیگر دانش آموزان نیز حقوقی دارند که باید معلمان محترم رعایت کنند.

در هر شماره موضوعی طرح می شود تا صاحب نظران دیدگاه‌های خود را در آن خصوص مطرح سازند. در این شماره به مسئله‌ی توهین و بی احترامی نسبت به شخصیت و عزت نفس دانش آموز توسط معلم می پردازیم.

در ادیان توحیدی، اعتبار انسان به نفس و روح اوست. تن و جسم مادی، به منزله‌ی ابزار و مرکب روح است که خود را صرف تعالی روح می کند. پس از مرگ، جسم آدمی فرسوده می شود و می پوسد، اما روح او بقا و ابدیت دارد و به اصطلاح قرآن «توفی» می شود.

روح چون گرد درها از قید تن در سرای لامکان جوید وطن همه‌ی اعضا و جوارح انسان، بلکه زمین و زمان و نعمت‌های خدا داد، همه و همه برای تربیت نفس اوست تا جایی که لایق لقای الهی، به معنای دقیق آن شود: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه.»

خداوند در سوره‌ی مائده، ریختن خون یک انسان را بدون دلیل، مساوی ریختن خون همه‌ی انسان‌ها دانسته است و احیای یک نفر را هم ردیف احیای همه‌ی بشریت! این بیان نشانگر حرمت و مکرمت نفس انسانی نزد خدای متعال است. در تفسیر آیه می خوانیم که مرگ و حیات معنوی، یعنی هدایت یا گمراه شدن یک انسان، به مراتب مهم‌تر است از مرگ و حیات مادی او. بنابراین، کسی که دچار اضلال و گمراهی دیگری و یا موجب ارشاد و راه یافتگی او شود، گویی بشریت را نابود و یا احیا کرده است.

ترسیم صحنه‌ی خلقت آدم ابوالبشر و دمیدن از روح الهی در او و امر به سجده کردن جمیع فرشتگان بر این موجود و گفتن «تبارک الله» و توییخ ابلیس از سجده نکردن بر آدم، همه حاکی از رفعت مقام نوع انسان نزد خالق اوست. به همین دلیل، قتل نفس در شریعت الهی، از گناهان بزرگی است که قابل اغماض نیست. آیه‌ی یاد شده به دنبال ماجرای کشته

شدن هابیل به دست قابیل نازل شده که طی آن، قابیل متصف به صفت «ظلم» و «اهل دوزخ» نامیده شده است.

در سوره‌ی بنی اسرائیل، خداوند انسان را گل سرسبید موجودات می‌نامد و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» سپس از انواع روزی‌ها و اکرام‌هایی که به او شده است، یاد می‌کند. در حدیث شریف می‌خوانیم: «عرض المومن کدمه»: آبروی مؤمن بسان خون اوست. آیات و روایات در یک نگاه، انسان را موجودی عزیز، محترم و مکرم خوانده‌اند و اگر کسی هتک حرمت دیگری کند، به منزله‌ی آن است که خون او را ریخته و قاتلش شده است و کسی که مرتکب گناهی چون قتل شود، گویی همه‌ی بشر را به قتل رسانده است!

تفاوت انسان و حیوان به همین نفس ناطقه‌ی اوست؛ نفسی که مخاطب خدا، مخاطب قرآن و مورد خطاب پیامبران است؛ نفسی که در سوره‌ی «شمس» به دنبال ده سوگند ذکر می‌شود تا به عظمت آن پی‌بریم: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، قَالَهُمَّهَا 'فُجُورُهَا' وَ تَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا».

دس یعنی دسیسه، یعنی کار مخفیانه‌ی زبانباز. محروم و ناامید گشت کسی که نفس خود را دچار معصیت و گناه و دسیسه کرد. گاه انسان خود باعث آلودگی این نفس قابل تزکیه می‌شود. گاه عوامل محیطی موجبات آن را فراهم می‌کنند. خداوند انسان را آفرید و طرق بشارت و انداز و خوف و رجا را توسط انبیا پیش روی او نهاد، تا به کمالش رساند، نه این که در آتشش سوزاند. نفس آدمی ارزشمند است و قابل احترام.

حال اگر من معلم، ناخودآگاه، نفس متعلم و شاگرد خود را تحقیر کردم، باعث سقوط یک انسان و دور شدن او

از مدارج کمال شده‌ام. توهین به شاگرد، استهزای او و تحقیر او، چیزی جز سبک کردن نفس او نیست. کودک به طور طبیعی و با برخورداری از فطرت حنیف خود، از رذایل می‌گریزد، اما اگر مورد اهانت معلم قرار گرفت و «عزت نفس» خود را از دست داد، از آن به بعد آماده‌ی ارتکاب هر کار زشتی است. چون از رتبه‌ی انسانیت، خود را به در می‌بیند و نفس لوامه‌ی او از واکنش باز می‌ماند.

معلمی سوختن و ساختن است. مورد توهین واقع شدن و توهین نکردن است. تحقیر شدن و تحقیر نکردن است. باید دانش‌آموز را به منزله‌ی خمیری ببینیم که آمادگی دارد به شکل زیباترین موجود درآید. این معلم است که هنر پروریدن او را دارد. می‌تواند او را تحقیر یا تکریم کند. می‌تواند نفس او را به «عزت» یا «ذلت» کشاند. ما باید با او آن کنیم که خدایش برایش خواسته و او جز اکرام و اعزاز نخواسته است. در خاطرات میکال آثر، مجسمه‌ساز ایتالیایی آمده است که روزی مشغول کار بود. عابری با تمسخر گفت: «چه می‌کنی؟ با قلم و چکش به جان این سنگ افتاده‌ای؟!»

او با خونسردی پاسخ داد: «فرشته‌ای درون آن گیر کرده است، می‌خواهم آزادش کنم.»

عابر منظور استاد را نفهمید. یک سال گذشت تا این که عابر خود را در انتهای صف درازی دید که افراد برای تماشای مجسمه‌ی ساخته شده توسط میکال آثر به نوبت ایستاده بودند. آری، معلمی هنر است؛ میکال آثر هنرمند جسم و ماده بود، لیکن معلم، هنرمند نفس و روح است. او پیکر تراش و پیکر ساز است و این به روح آدمی صیقل می‌دهد و اعجوبه می‌سازد.